

# تاریخ اروپای مدرن

تی. سی. دبلیو. بلنینگ  
مترجم: ابراهیم عامل محرابی



۱۳۹۸

## فهرست مطالب

- ادداشت مترجم ..... نه
- قدمه ..... یازده
- نصل اول: انقلاب از بالا و از پایین: سیاست اروپایی از انقلاب فرانسه تا جنگ جهانی اول (جان رابرتس) ..... ۱**
- نصل دوم: صنعتی شدن اروپای مدرن، ۱۷۵۰-۱۹۱۴ (کلایو تریبیلکاک) .. ۴۷**
- نصل سوم: مدرن‌سازی نظامی، ۱۷۸۹-۱۹۱۸ (هیو استراکن) ..... ۹۱**
- نصل چهارم: از رسته‌ها تا طبقه‌ها: جامعه اروپایی در قرن نوزدهم (پاملا یلیم) ..... ۱۲۷**
- نصل پنجم: تجاری‌سازی و تکریم فرهنگ اروپایی در قرن نوزدهم (تی. اس. دلیو. بلننگ) ..... ۱۶۵**

- فصل ششم: جنگ داخلی بزرگ: سیاست اروپا طی سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۴۵  
(پُل پرستون)..... ۲۰۷
- فصل هفتم: فرازها و نشیب‌های اقتصاد اروپا طی قرن بیستم (هارولد  
جیمز)..... ۲۵۵
- فصل هشتم: هنر جنگ در اروپا از سال ۱۹۱۸ (ریچارد اُوری)..... ۲۹۷
- فصل نهم: جامعه اروپایی در قرن بیستم (ریچارد بسل)..... ۳۲۷
- فصل دهم: از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم (مارتین جی)..... ۳۶۱
- فصل یازدهم: تجزیه اروپا و وحدت دوباره آن؛ ۱۹۴۵-۱۹۹۵ (دیوید  
رینولدز)..... ۳۹۵
- وقایع‌نگار..... ۴۳۱
- برای مطالعه بیشتر..... ۴۵۱
- نقشه‌ها..... ۴۸۷
- عکس‌ها..... ۵۰۱

## انقلاب از بالا و از پایین

### سیاست اروپایی از انقلاب فرانسه تا جنگ جهانی اول

#### جان رابرتس

صدوسی سال فاصله میان سال‌های ۱۷۸۹ و ۱۹۱۸ به طور سنتی، به بخش‌هایی با نقاط عطف مشخص تقسیم شده است؛ این تقسیم‌بندی هنوز هم معقول به نظر می‌رسد. این سال‌ها با یک دوره بیست و پنج ساله از جنگ‌ها و انقلاب‌ها آغاز می‌شود؛ سپس در سال ۱۸۱۵، دوره‌ای از صلح و آشتی (دست‌کم میان قدرت‌های برتر) فرامی‌رسد که تا سال ۱۸۵۴ دوام می‌آورد؛ به هر حال، هرچه بیشتر به پایان آن نزدیک می‌شویم، آثار تباهی در آن بیشتر به چشم می‌خورد. پس از این دوره کوتاه به دو دهه جنگ، انقلاب و تشکیل حکومت‌های نوظهور می‌رسد

مدت‌های طولانی محل بحث و مشاجره‌ای بوده است که تقریباً تا ابد می‌توان به آن ادامه داد. یک چیز اما روشن است: آنچه در سال ۱۷۸۹ رخ داد، علاوه بر زمینه‌سازی برای بحث و مناظره‌ای که تا ابد ادامه خواهد یافت، بخش اعظم تاریخ فرانسه را برای قرن آینده رقم زد. این واقعه را ورای هر چیزی، آغاز عصر انقلاب می‌دانند. چند سال نخستی که از پی انقلاب فرانسه گذشت، نیروی محرکه‌ی روانی سیاست اروپا را برای کل قرن نوزدهم تأمین کرد.

ایده انقلاب همچون بختکی بر این قرن سایه افکند که بخش بزرگی از سیطره آن بر اندیشه انسان با ابهام همراه است. به طور عینی، میان سال‌های ۱۷۸۹ و ۱۹۱۸ رویدادهای سیاسی بسیاری به وقوع پیوست که می‌توان آن‌ها را انقلاب نامید و در واقع انقلاب هم نامیده شده‌اند. بسیاری از این رویدادها را تغییراتی دانسته‌اند که نه تنها پیامدهایی عظیم داشتند، بلکه چنان بنیادی بودند که به ظاهر (و گاه به حقیقت) گسستی واقعی با گذشته را رقم زدند، چنان که حتی گاهی رشدی مهندسی شده و نه ذاتی، از این تغییرات نتیجه می‌شد. برخی از این انقلاب‌ها را می‌توان با دقت فراوان با معیارهایی از قبیل تغییرات به عمل آمده در زبان و عرف‌های سیاسی سنجید. دموکراسی، که در سال ۱۷۸۹ ناسزا به شمار می‌رفت، در سال ۱۹۱۸ ورد زبان فاتحان بزرگ‌ترین جنگ تاریخ شده بود. قدرت مطلقه می‌رفت که برای حکومت مشروطه راه بگشاید. رژیم‌های سلطنتی به جمهوری تبدیل می‌شدند. در برخی کشورها با توسعه حق رأی گام‌هایی اساسی برداشته شد. این تغییرات همواره با خشونت همراه نبودند، بلکه گاه در صلح و آرامش رخ می‌دادند یا حتی اگر از روی قهر و اجبار هم رخ می‌دادند، دست‌کم توأم با خونریزی بودند. به هر حال، دامنه این تغییرات چشمگیر بود.

با وجود این، یک تغییر انقلابی آشکار که همواره به خشونت گرایش داشت، پیدایش دولت‌های ملی گرا بود. در سال ۱۷۸۹، پرتغال

و سپس از سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴، برای دومین بار، صلح و آشتی بزرگی برقرار می‌شود که طی آن، در ظاهر، تنها نزاع‌هایی در خصوص سرنوشت امپراتوری عثمانی مشاهده می‌شود که احتمالاً دلیلی برای جنگ‌های آتی میان قدرت‌های اروپایی بود (هر چند که جنگ میان روسیه و ژاپن در سال ۱۹۰۴، پیشاپیش خبر از زایش یک جهان سیاسی نوین می‌داد). سپس طی یک سرازیری که به سال ۱۹۱۴ منتهی شد، بزرگ‌ترین نزاعی که اروپا تا آن زمان به خود دیده بود، آغاز شد. این نزاع به جنگ جهانی اول تبدیل شد و در سال ۱۹۱۸ (هر چند نه به طور کامل) پایان گرفت. در آن زمان، تاریخ اروپا دیگر موجودیتی مستقل به شمار نمی‌رفت و مدت‌ها بود که درک آن تنها در حیطه‌ای جهانی میسر بود. سال ۱۷۸۹ گرچه دریچه‌ای به عصر جدید گشوده بود، ولی ۱۹۱۸ پایانگر یک عصر به شمار نمی‌رفت.

## اسطوره انقلاب

آنچه فرانسویان در سال ۱۷۸۹ انجام دادند، خواه از روی قصد و اراده، خواه بر اثر جبر تاریخ، هنوز خاطره این سال را در ذهن‌ها حفظ کرده است. این واقعه سبب گردید تا آنان در نگاه انسان‌های بعدی (و برخی از هم‌عصران خویش) همچون سازندگان عصری جدید جلوه‌گر شوند. این انقلاب، پیامدهای عظیمی، از خوب و بد، و شیوه‌های نوینی از نگرش به مفهوم انقلاب و نگاه به توانایی‌های مردمی (بیم و امید) را به دنبال داشت. این که آیا «انقلاب» فرانسه، که در واکنش نسبتاً شاخص قرن هجدهم از سوی نخبگان مرفه به دولتی نوآور ریشه دارد، در اصل پیامد منطقی شکست در عملکرد رژیم کهن بود، یا طغیان گرایش‌های ذاتی فرهنگ و جامعه فرانسه، یا مجموعه‌ای از حوادث مدیریت شده و مهندسی شده، یا فوران نیروهای سرکش و مقاومت‌ناپذیر، برای